



گفت‌وگو با دکتر امیر حمزه زینالی پیرامون یک آسیب اجتماعی

# خطر زوال سرمایه اجتماعی و ظهور معضلات اخلاقی

شیرین مهاجری

مردمی که آماده‌اند در هر زمینه‌ای دست به دست هم بدهند و کارها را با مشارکت به جلو ببرند، آدم‌هایی که به یکدیگر اعتماد دارند و دیگران را نیز مانند خانواده‌شان دوست دارند، رابطه‌ای عاشقانه میان تک تک افراد و اجتماع، تلاشی عمومی در راستای حفظ منافع کل جامعه، حکومتی که توانسته اطمینان مردم را با خود همراه کند و آنها را تصمیم گیرندگان اصلی سرزودت خویش بداند و فقط مانند یک ناظر در صدد برقراری نظم در امور و کمک به مردم در حرکت رو به جلویشان است... نه اینها ویژگی‌های یک جامعه آرمانی و مدینه فاضله نیست بلکه جامعه سالمی که سرمایه‌های اجتماعی در بستر آنها جاری و ساری است دارای چنین ویژگی‌هایی هستند، جوامعی که این سرمایه‌ها را حفظ کرده‌اند و روز به روز در راه پیشرفت گام برمی‌دارند و شهروندان نیز در سایه این یکدستی و اطمینان متقابل به آسایش و آرامش می‌رسند، اما همیشه هر چیز اطمینان نیست و جوامعی هستند که این سرمایه‌های غظیم را به باد می‌دهند و عمری در غیاب آنها با مشکلاتی که یکی پس از دیگری زاید می‌شوند دست به گریبان هستند و هر روز بیشتر در گردابی که از نبود این سرمایه‌ها درست شده غرق می‌شوند... اما چه می‌شود که این سرمایه‌ها در یک جامعه از دست می‌روند و چه عواقب پیش روی چنین اجتماعی نشسته است؟



سرمایه‌های اجتماعی مانند ملات و سیمانی هستند که پایه‌های نگهدارنده جامعه را می‌سازند و وقتی از بین بروند، منیت افراد آن جامعه افزایش پیدا می‌کند و بیماری‌های روانی نیز در آن جامعه به شکل قابل ملاحظه‌ای گسترش می‌یابد، اما طلاق هم به طرز محسوسی بالا خواهد رفت

سالیان دراز به طول انجامد تا این گذار طی شود.

بنابراین می‌توان گفت که در جوامع سنتی یا مدرن، سرمایه‌های اجتماعی قدرتمند هستند؟

بله، مثلاً در خیلی از روستاها به دلیل آن که جامعه خود را به شکل سنتی حفظ کرده است سرمایه‌های اجتماعی نیز در همان شکل سنتی خود باقی مانده و دستخوش تغییرات نشده‌اند و می‌توان وجوه مختلف این سرمایه‌های اجتماعی نظیر اتحاد و همدلی، مشارکت و مسئولیت پذیری و از همه مهمتر اعتماد و اطمینان متقابل را در یک اجتماع سنتی روستایی دید. چه عوامل دیگری هستند که در کنار عامل گذر جامعه از حالت سنتی به مدرن قرار می‌گیرند و به تضعیف سرمایه‌های اجتماعی

منجر می‌شوند؟ سرمایه‌های اجتماعی حاصل قرن‌ها تجربه و تلاش جامعه است که در طی سالیان مسال تولید می‌شود و رسوب می‌کند. عوامل مختلفی باعث می‌شود که این سرمایه‌ها در جامعه کاهش پیدا کنند که دلیل اول را ذکر کردیم اما یکی دیگر از دلایلی که باعث می‌شود سرمایه‌های اجتماعی در جامعه‌ای رنگ‌بازند بحث اعتماد اجتماعی است. اعتماد و اطمینان یکی از مؤلفه‌های مهم سرمایه‌های اجتماعی محسوب می‌شود و بر می‌گردد به رفتارهایی که از سوی نهاد قدرت بروز می‌کند. اگر این رفتارها به گونه‌ای باشد که اعتماد مردم نسبت به حاکمیت از بین برود، سرمایه‌های اجتماعی در آن جامعه تا حد زیادی کاهش پیدا می‌کند. پس می‌توان حاکمیت را در کنار

در جوامع امروزی هرچه مشارکت شهروندان در اداره امور مربوط به خودشان بیشتر باشد و نهادهای مدنی فعالیت گسترده‌تری داشته باشند سرمایه‌های اجتماعی نیز بیشتر گسترش می‌یابند اما اگر سیاست‌ها در راستای از بین بردن نهادهای مدنی و کاستن مشارکت‌های مردمی گام بردارند در نتیجه یکی از عواقب این مسأله کاهش سرمایه‌های اجتماعی و از بین رفتن آن خواهد بود. مثلاً در دوره ریاست جمهوری قبلی سرمایه‌های اجتماعی و مهمتر از همه اعتماد مردم تا حد زیادی کاهش یافت و این موضوع را می‌توان به شکل محسوسی مشاهده کرد اما در دوره جدید ریاست جمهوری این اعتماد کم کم در حال بازسازی است، می‌بینید که هر جا مردم احساس کنند مشارکت کمتری در تعیین امور دارند سرمایه‌های اجتماعی هم دچار ضعف و افول خواهند شد و میان مؤلفه‌های سرمایه‌های اجتماعی ارتباط مستقیمی وجود دارد و بر یکدیگر تأثیر مستقیمی می‌گذارند.

افت سرمایه‌های اجتماعی جامعه را دچار چه معضلاتی می‌کند و اصلاً علائم بیماری جامعه‌ای که با از بین رفتن سرمایه‌های اجتماعی دچار تب و بخران می‌شود چیست؟ چگونه می‌توان این بیماری را تشخیص داد؟

رابطه سرمایه‌های اجتماعی و بزهکاری امری اثبات شده است. وقتی در جامعه‌ای سرمایه‌های اجتماعی کاهش می‌یابد آن جامعه از نظر اخلاقی افول می‌کند و در نتیجه حس مشارکت بین شهروندان تا حد قابل ملاحظه‌ای کاهش پیدا می‌کند و در چنین حالتی وقتی حس مشارکت و همدلی در بین شهروندان وجود ندارد تنش و درگیری بین آنها بالا می‌رود. با یک نگاه گذر، به سالنامه‌های آماری پلیس درمی‌یابیم که در سال‌های اخیر پرونده‌های بزه و آمار جرایم در جامعه

ماجرای تأثیر این قضیه در تک تک افراد جامعه چگونه خواهد بود؟

سرمایه‌های اجتماعی مانند ملات و سیمانی هستند که پایه‌های نگهدارنده جامعه را می‌سازند و وقتی از بین بروند، منیت افراد آن جامعه افزایش پیدا می‌کند و بیماری‌های روانی نیز در آن جامعه به شکل قابل ملاحظه‌ای گسترش می‌یابد، اما طلاق هم به طرز محسوسی بالا خواهد رفت. در چنین جامعه‌ای فضا برای شایسته‌سازی، ارزیابی دقیق و علمی نگرى به مسائل وجود ندارد و به همین دلیل تعارض در رفتارها بروز می‌کند و این مسأله از ویژگی‌های حکومت‌های غیرمردمی است. مثلاً افراد در جایگاه رئیس اداره یک جور رفتار کنند و وقتی از اداره خارج می‌شوند، رفتارشان جور دیگری باشد و خود قوانینی که در هنگام ریاست بر آن تأکید دارند را زیر پا بگذارند.

وقتی سرمایه‌های اجتماعی در جامعه کاهش می‌یابد روابط فردی و جامعه دستخوش تغییرات زیادی می‌شود که این ارتباط با به قدری کاهش می‌یابد که در این حالت انومی رخ می‌دهد و فرد نسبت به جامعه بی‌تفاوت می‌شود و خود را از آن جدا می‌بیند، یا این که برعکس آنقدر افزایش می‌یابد که تنش فرد با جامعه زیاد می‌شود و میزان بزهکاری بالا می‌رود.

این بزهکاری که می‌گویید چگونه و طی چه فرایندی در جامعه افزایش می‌یابد؟

وقتی حس اعتماد در سطوح مختلف جامعه از بین می‌رود فضاهای خاص و نقش‌های مختلفی در جامعه شکل می‌گیرد که افراد مجبور هستند در این فضاها و در قالب این نقش‌ها به ایفای نقش بپردازند و حتی این فضاها به طرز هم نشکیده می‌شود، اما همچنان ادامه دارد و همه باوجود انتقادی که خودشان به این فضاها دارند اما باز هم در همان فضا باقی می‌مانند و اصلاً چاره‌ای برای خروج از این فضاهای نهادینه شده وجود ندارد. رفتارهایی مانند زیر آب زنی، نفاق، دورویی، دروغگویی، غیبت و... همه رفتارهای ناشایستی است که رو به کاهش است و خطرات بزرگی در کمین چنین جامعه‌ای خواهد بود.

جدداً از بحث جامعه و نگاه کلی به ما به طرز چشمگیری افزایش داشته و این افزایش آمار جرایم یک زنگ خطر و علامتی است که نشان می‌دهد حس مشارکت و همدلی شهروندان بیشتر رو به کاهش است و خطرات بزرگی در کمین چنین جامعه‌ای خواهد بود.

زیادی بر این قضیه دارد و البته خود مردم و بست‌های تاریخی هم بسیار مؤثر هستند و ما با توجه به سابقه تمدنی که داریم می‌توانیم بوند سیاست‌های دولتی مهم که می‌تواند سرمایه‌های اجتماعی را کاهش یا افزایش دهد پیوند برقرار کنیم.

نهادهای مدنی در تقویت این اگر اعتماد متقابل بین اجزای یک جامعه کم‌رنگ شود آیا این نهادها خودشان هم دستخوش دگرگونی‌ها می‌شوند؟

در جوامع امروزی هرچه مشارکت شهروندان در اداره امور مربوط به خودشان بیشتر باشد و نهادهای مدنی فعالیت گسترده‌تری داشته باشند سرمایه‌های اجتماعی نیز بیشتر گسترش می‌یابند اما اگر سیاست‌ها در راستای از بین بردن نهادهای مدنی و کاستن مشارکت‌های مردمی گام بردارند در نتیجه یکی از عواقب این مسأله کاهش سرمایه‌های اجتماعی و از بین رفتن آن خواهد بود. مثلاً در دوره ریاست جمهوری قبلی سرمایه‌های اجتماعی و مهمتر از همه اعتماد مردم تا حد زیادی کاهش یافت و این موضوع را می‌توان به شکل محسوسی مشاهده کرد اما در دوره جدید ریاست جمهوری این اعتماد کم کم در حال بازسازی است، می‌بینید که هر جا مردم احساس کنند مشارکت کمتری در تعیین امور دارند سرمایه‌های اجتماعی هم دچار ضعف و افول خواهند شد و میان مؤلفه‌های سرمایه‌های اجتماعی ارتباط مستقیمی وجود دارد و بر یکدیگر تأثیر مستقیمی می‌گذارند.

افت سرمایه‌های اجتماعی جامعه را دچار چه معضلاتی می‌کند و اصلاً علائم بیماری جامعه‌ای که با از بین رفتن سرمایه‌های اجتماعی دچار تب و بخران می‌شود چیست؟ چگونه می‌توان این بیماری را تشخیص داد؟

رابطه سرمایه‌های اجتماعی و بزهکاری امری اثبات شده است. وقتی در جامعه‌ای سرمایه‌های اجتماعی کاهش می‌یابد آن جامعه از نظر اخلاقی افول می‌کند و در نتیجه حس مشارکت بین شهروندان تا حد قابل ملاحظه‌ای کاهش پیدا می‌کند و در چنین حالتی وقتی حس مشارکت و همدلی در بین شهروندان وجود ندارد تنش و درگیری بین آنها بالا می‌رود. با یک نگاه گذر، به سالنامه‌های آماری پلیس درمی‌یابیم که در سال‌های اخیر پرونده‌های بزه و آمار جرایم در جامعه

در جوامع امروزی هرچه مشارکت شهروندان در اداره امور مربوط به خودشان بیشتر باشد و نهادهای مدنی فعالیت گسترده‌تری داشته باشند سرمایه‌های اجتماعی نیز بیشتر گسترش می‌یابند اما اگر سیاست‌ها در راستای از بین بردن نهادهای مدنی و کاستن از مشارکت‌های مردمی پیش برود یکی از عواقبش کاهش سرمایه‌های اجتماعی خواهد بود.

که منتقدان این رفتارها زیاد باشند اما تا عرصه برای بروز این رفتارها فراهم است روز به روز با شدت و حدت بیشتری گسترش می‌یابند و هر کدام زمینه را برای رفتارهای نادرست دیگر و جرایم متعدد فراهم می‌کنند. مثلاً وقتی حس همدلی و نودوستی از بین برود و از تمام حوزه‌ها فضا بازی ایجاد شد که اجتماعی وضعیت اقتصادی مردم ناسامان باشد دزدی و سرقت افزایش می‌یابد.

همه اینها برمی‌گردد به سیاست‌گذاری‌ها و قالب بندی‌هایی که برای مردم درست شده و نیز سبک‌های متفاوت زندگی مردم در فضاهای مختلف که باعث بروز این رفتارها می‌شود، در حالی که یک جامعه سالم چنین ویژگی‌هایی را ندارد.

در پیشگیری از جرم، سرمایه‌های اجتماعی قدرتمندتر عمل می‌کنند یا تنبیه و اعمال قانون مانند اعدام و زندان و...؟

در جوامع امروزی نقش مشارکت مردم در امور اجتماعی و پیشگیری از جرم بسیار مؤثر است و روی نقش مردم در این زمینه تأکید می‌شود زیرا بهترین افراد برای پیشگیری از افزایش جرم خود مردم هستند. اما وقتی سرمایه‌های اجتماعی کاهش می‌یابد و همان‌طور که گفته شد حس مشارکت مردم در امور کاهش می‌یابد جرایم هم افزایش پیدا می‌کنند و بست‌های جرم‌خیزی گسترده می‌شود که با فشار قانون هم نمی‌توان از میزان آن کاست. بنابراین تنها راه پیشگیری از جرم احیای سرمایه‌های اجتماعی در جامعه است که می‌تواند حس همدلی و نودوستی را بین مردم افزایش دهد و آنها را به سمت جامعه‌ای سوق دهد که جرایم در آن کمترین میزان را دارد و هر روز شرایط زندگی بهتر و آرامش‌تر می‌شود.

و آیا برای جامعه‌ای که گرفتار بیماری از بین رفتن سرمایه‌های اجتماعی شده علاجه هست؟

مسلماً می‌توان برای هر دردی علاجه یافت، برای این کار هم قدم اول برای بهبود شرایط، تغییر رویکردها است و باید نگاه‌ها نسبت به مردم و نهادهای مدنی تغییر کند و فضا از حالت امنیتی به یک حکومت اجتماعی و مدنی و تغییر کند و اگر این شرایط مهیا شود بستر رشد سرمایه‌های اجتماعی روز به روز بیشتر فراهم می‌شود.

مثال این مسأله در دوران ریاست جمهوری آقای خاتمی بخوبی قابل مشاهده بود و در این ۸ سال نهادهای مدنی بشدت گسترش یافتند و در تمام حوزه‌ها فضا بازی ایجاد شد که همین امر زمینه را برای افزایش حس مسئولیت مردم و مشارکت‌های بیشتر آنها از طریق این نهادها فراهم می‌کرد. بنابراین اگر نگاه حکومت به مردم به شکل نگاه به افراد بیگانه نباشد و این رویکردها تغییر کند می‌توان امیدوار بود که سرمایه‌های اجتماعی دوباره به جامعه بازگردند و این می‌تواند نخستین قدم برای بازگرداندن سرمایه‌های اجتماعی به بطن جامعه باشد.

## یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

**جدول ویژه**

۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

۱- توانایی کاری داشتن - از سیاستمداران همه فن حریف فرانسه  
۲- درختی تنومند - جیون - پوشش زنانه  
۳- غیرمعمول - شرح - ضد کلفت  
۴- کلمه تصدیق - گریز غریزی - پایتخت مراکش - گهواره  
۵- کلمه شگفتی - گیاهی زنتی - جامه با رنگ‌های بلند و گوشتی - بی‌خرد  
۶- به معنی ترازو هم آمده - افزونی - ظرف مکان  
۷- لازم - از بین برده شده - طلب  
۸- شتر جدولی - شهری در آلمان - رنگی نزدیک به سبز  
۹- نیگویی - با محبت - منع  
۱۰- واحد والیبال - شهری

**جدول عادی**

۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

۱- یکی از غذاهای سنتی که در استان مرکزی طبخ می‌شود - احساساتی و خیال‌پرداز  
۲- آهنگی تبلیغاتی بزرگ - محل لشکر - خرس چینی کمیاب  
۳- امتداد - حسرت، حیف - خدمتکار مرد  
۴- واحد اختلاف سطح الکتریکی - منقار مرغ - مرکز استان مازندران  
۵- خوشا و آفرین - مرکز تبت - گیشه  
۶- غوطه‌ور - نویسنده - ضمیر چند نفره  
۷- پیروان حضرت موسی (ع) - از موهبا - نوعی سبزی  
۸- رشته کوهی در جنوب‌شهر تبریز - نام بحری در شعر - محلی بین‌شام و مدینه  
۹- روپوش کفش - قراری دادن - میانجی و واسطه  
۱۰- دهان کجی - پروانه و رخصت - ضمیر جمع  
۱۱- تصفیه خانه بدن - جزخوانی عامیانه - مرغابی  
۱۲- خورشید - زن شلخته - قسمی حلوا - نهر کوچک  
۱۳- پادشاهان - روغن جلا - دالان  
۱۴- نمای عمارت - پوشیده، مخفی - کافه  
۱۵- یکی از میان وعده‌ها و عصرانه‌های مردم تبریز - تقویم

صنعتی در استان قزوین - کشور آفریقای  
۱۱- هلاک و نیستی - بی‌باک - عدد ورزشی  
۱۲- نیاکان - گل همیشه بهار - افزون‌خواهی هر چیزی - نوعی کبک  
۱۳- آفریننده - روشن و درخشان - کوتاه  
۱۴- جمعه - فرود آمدن - بیهوده، پوچ  
۱۵- شرکت خودروسازی چینی - گلر افسانه‌ای ایتالیا

**عمودی:**  
۱- نوعی قایقرانی و یک رشته ورزشی - از آثار بزرگ علوی  
۲- پس مانده میوه - وجود - خودروی سنگین  
۳- فهرست - همسر زن - نقشه‌ای که موقعیت محلی را نشان دهد  
۴- عدد یک رقمی - شهری که تابستان قبل میزبان بازی‌های المپیک بود - پوشاک ستور - مقصود  
۵- سوم شخص مفرد - قلندر - طریق میابری  
۶- حرف نقی - جست‌وجو - خوشگل  
۷- افسون - مخفر - نقشی در میان قالی  
۸- از نام‌های خانم‌ها - رود معروفی در کشورمان - بهتر است که دل جای آن نباشد  
۹- آرزوی خیالی - محرم اسرار - رفیق یکرنگ و موافق  
۱۰- الگ - فلز سکه زنی - تاره  
۱۱- بالای فرنگی - سنگ زینتی - به فرمایش امام جواد (ع)، از زرافت با ... بهره‌بردار که مانند شمشیر ظاهری خوب و اثری بد دارد  
۱۲- قوت لایموت - تکان خورند - زمسرا - گرمی‌بخش خلمانسوز  
۱۳- دودکش - قدرت - شهری در استان فارس  
۱۴- زاپاس - ترکیب شده - نوعی زیرانداز  
۱۵- پلیس مخفی - گفتاری بی‌تعقل

**حل جدول ویژه شماره ۵۶۶۱**

۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

۱- توانایی کاری داشتن - از سیاستمداران همه فن حریف فرانسه  
۲- درختی تنومند - جیون - پوشش زنانه  
۳- غیرمعمول - شرح - ضد کلفت  
۴- کلمه تصدیق - گریز غریزی - پایتخت مراکش - گهواره  
۵- کلمه شگفتی - گیاهی زنتی - جامه با رنگ‌های بلند و گوشتی - بی‌خرد  
۶- به معنی ترازو هم آمده - افزونی - ظرف مکان  
۷- لازم - از بین برده شده - طلب  
۸- شتر جدولی - شهری در آلمان - رنگی نزدیک به سبز  
۹- نیگویی - با محبت - منع  
۱۰- واحد والیبال - شهری

**حل جدول عادی شماره ۵۶۶۱**

۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

۱- یکی از غذاهای سنتی که در استان مرکزی طبخ می‌شود - احساساتی و خیال‌پرداز  
۲- آهنگی تبلیغاتی بزرگ - محل لشکر - خرس چینی کمیاب  
۳- امتداد - حسرت، حیف - خدمتکار مرد  
۴- واحد اختلاف سطح الکتریکی - منقار مرغ - مرکز استان مازندران  
۵- خوشا و آفرین - مرکز تبت - گیشه  
۶- غوطه‌ور - نویسنده - ضمیر چند نفره  
۷- پیروان حضرت موسی (ع) - از موهبا - نوعی سبزی  
۸- رشته کوهی در جنوب‌شهر تبریز - نام بحری در شعر - محلی بین‌شام و مدینه  
۹- روپوش کفش - قراری دادن - میانجی و واسطه  
۱۰- دهان کجی - پروانه و رخصت - ضمیر جمع  
۱۱- تصفیه خانه بدن - جزخوانی عامیانه - مرغابی  
۱۲- خورشید - زن شلخته - قسمی حلوا - نهر کوچک  
۱۳- پادشاهان - روغن جلا - دالان  
۱۴- نمای عمارت - پوشیده، مخفی - کافه  
۱۵- یکی از میان وعده‌ها و عصرانه‌های مردم تبریز - تقویم